

پایان جنگ و انقلاب خانه‌های هویتی

با قلم رخ می‌شود - لاتر تر تهرمان ازدوا - لالاک کابل در کلکسیون اصفهان - کاشی‌ای کلودت بود - گیری کارس - هوارد و برجهام و مطالب دیگر در مجله هویتی دو شنیده منشی شو - همکارهای خانه اشاری ۲۰۵۷

یک باعث بسیار نیز

مشیر دارای دوره شنیده آب چاری باشد یعنی عمارت پاچه‌ار اطاق و بیک صان بزرگ دو بیرون و با صفاتی بین نفاط دماوند بارز است زیرین بینها پاچه‌ار داده مشود - طلبین پراهمی و وزیر نامه طلاعات مرآجعه نایدند ۲۰۳۳ - ۲۰۳۴

تشکر و محظوظ

بدین وصیله از آقایان و درات معظمی که در مصیبت وارد شد این جایان لعنتی با حضور خودشان در مجلس ترجم اظهار همدردی فرموده اندسماکدار و بواسطه تالات روحی از عرض شکرات مخصوصی مقدور بوده و ایند گو خواهد شد ۰۰۶۵ - آ

(عرض تشرک و قدرانی)

چون یکی از آذوهای جمیعت چنوب شرقی طوران امانت و انتظامات آن محل بوده است از تو برات آذوهای ضرب‌آسی دیس شکلات ظمه به دستورات لازمه داده و مادرم موقیت برگزی نائل شده اینم لذا با همیت سرت و با کمال احترام عرض شکر و گردانی می‌نمایم - بروک آثار افاده - نیک تاش

جامعه فارغ التحصیل هی داشتر ایهانی

با ایجاد تاسیف عالم‌میدارد بطبق نکراف و خوش‌وصل اصل ااصفهان - چواد میده زاده مهیا و میس اداره امور آثار باستان و صاحب امیاز و مدیر روزنامه سروش دوست ۳۱ او در بیشتر ماده ۱۳۴۴ بدرود زندگانی کشته است.

در تبعیه این یعنی آدم غم‌الذریکی ن کارمندان ندینی و برجسته جامیعه که سالهای متمادی هر کتابی خود را صرف پیش‌افت فرهنگ و حافظ آثار باستان نموده و از قرآن فعالیت سرشار - جدا که مجاهدت و لیاقت را در این واه پیچیده داده از دست داشت.

این ضایعه ایف آزاد را بغاوه و دوستان و هنرمان آن مردو تسایت‌مکنید و بخترا باستھان - برسد که پس نیمات فرمکی و اجتماعی مرخور یکشیه هشتم خرداد ماه ۱۳۴۴ در تلاخ اجتماعات داشتاری ایلی بروزهاد بود - ۲۱ رئیس جامیعه احمد ههران

۰۰۶۶ - آ

بنده بست تصادف جمهه چهارم خرداد (فردا) با هفت بدر چیزمان مرخوم میرزا آقا استوار (ضمیر همانون) می‌سند که از ساعت چهار تا

شش عصر در این باریه (قبیره شخصی) نمکه می‌باشد.

با ایوان و آقایان محترمی که ظرف تقدیم و دلیلی از بازماندن آن مرخوم داشته باشد از هر کت خود تسبیت خاطر سارا فراهم خواهند بود - ۰۰۷۰

حسین استوار - گشت رهیود

۰۰۷۱

قد کفر

شبیه یعنی خرداد ماه روزیاد بود سال اول در گذشت مادر هژر و مادر بزرگ هرمان و خواه را کری و مجه عزیزان مرخومه خانم مادر اسلطنه در رویش ایستادن مجلس تکری از ساعت ۱۷ بعد از ظهر سرمه از آن مرخومه در مقبره مرخون - ظاهرالدله معتقد خواهد بود لذا را دین و سهل بدوسن اطلاع میدهیم.

قره‌الملوک درویش - ارسلان مستشاری - زینت اسد

۰۰۷۲

هنری چهره‌ستاری

بنایت تصادف روزنیه ۵ خرداد باش چهلم در گذشت مرخوم آقای میرشیخ الدین بزرگی مجلس تکری از ساعت ۱۰ بـ ۰۰۷۳

شخصی ایجاد خیانی بود - درجه بزرگی که شرکت‌الدولت‌کاشی ۰۰۷۴ - معتقد است

جلال الدین عرشی - پانوبه مرعشی - ضیاء الدین سادات هر عشی ۰۰۷۵

طبق خیری که ایاز کی از این دین و سده آفای مارکونبرای در

با ویک بدلست فاشیت ها بدل و سده است - خانواده هروردی با

نایب خوب نوی و باطله دوستان و آشنايان خود مرسانند -

میلس باد بود فقید نایب خوب در روزهای دو و سه و چهارم خرداد ماه ۱۳۴۰ بر قرار بود

خانواده نهورای ۰۰۷۶

آگری های نسلت:

عرض تسلیت

قوت ناینکام مرخوم مزدی آصفی موجب تاثر تمام دوستان و علاقمندان باشان بوده بدلیمه بمقام معمون آصفی و آقایان مخصوصی تسلیت عرضه میدارد ۰۰۷۷ - آ

اتحادیه مالکین و راندان در رشکهای هموی از طرف صنف فوت

آقای هدایت بزرگ دیگر را بقابلی بزرگی خصوص آقای همیز چهاردهمیز می‌بینند و خواهی از این دین و سهل

جلال الدین عرشی - پانوبه مرعشی - ضیاء الدین سادات هر عشی ۰۰۷۸

در گذشت جوان ناکم هیدا بهزادی داشتاره بزرگی در

خصوصاً باشون نیز بهزادی و باشور بهزادی و آقای احمد بهزادی

خانواده نهورای ۰۰۷۹

لتوت اکهانی داشتند که شرکت همیز بزرگی و بزرگی داشتند

میهد زاده صوبیار یحیی و بزرگی داشتند

لار جوانمرد

کنت میدانست که تیرش بهد خود ره
می افتد و می بند و می انتبا

قالی را در دست بکشد و بسیار داد که با خوش نگفت > پایا می سرت کنت

حالا نه چنین سبیتی باین بان میدهی باشد از عدهه اثبات آن برآمی لابد

دلایلی دارد ؟! > کنت > کفت هیئت نظر داداشت

کم رات را خپور شما عرض نکن هر کام شهد آخرین برسش مرآ جواب دهد

کمان میگنم داد که منعطف خواهد دید اینکه سبیتی که من بایتها داده ام

صحیح است > درین موقع ریس دادگاه ره

شکاری از هدا شخضی بدهد سر بلند کرد که از میان آنها به هرات سو

واریز شدند از شاه مراسم که هر چهارمین

آن جواهرات را میگردید آنرا با لذت شرت

کرد که از میان آنها به دیدار میگردید

برین تمام جواهرات که از همان سرچان

در دیدیده بود من تسلیم نموده

لئن > مانند سکی که بـ وی

واریز شدند از هدا شخضی بدهد سر بلند کرد که از میان آنها به هرات سو

واریز شدند از شاه مراسم که هر چهارمین

آن جواهرات را میگردید آنرا با لذت شرت

کرد که از میان آنها به دیدار میگردید

است دیگر هرات را دیدندند. یعنی از

زیر اطاق نو آنها را زیر بودند.

چه هر چشم همینقدر میدال هنگامی به اطاق خواهی خود میربند

دیدم اتری از چشم همینقدر میدادم آیا بپاسان اطلاع دادیدم

پیش سر ببر اکننه دفت > پا ۱۷۰۰

قیادا - ترس داشتم از چه می ترسیدید باسو

و از نگون ۱ قیادا میگردیدم

نیامد من دلایلی دارد که این پرسن

ها را از شاهد میگنم ذیر اظاهر من

شوند و شاهد کنونی و لانک شرت

پایست دوست ورق و همدمست باشند

حقن دارم دادم از دنار دادم

لاید شاه هم همین تکلیف عمل

کردند که دشت باز

